

بررسی عوامل اعتلا و توسعه شهر مقدس مشهد طی دوره

صفوی

سیدهاشم حسینی

استادیار باستان شناسی و هنر دوران اسلامی، دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده

فرایند تشکیل و توسعه شهرهای ایران در دوره اسلامی را می‌توان با توجه به عوامل مختلفی مانند محیط طبیعی، دوران تاریخی و سیاسی، عوامل تجاری و بازرگانی، اوضاع فرهنگی و به‌ویژه عوامل مذهبی بررسی کرد. اما در این زمینه، محیط طبیعی یا جغرافیایی و نیز عوامل مذهبی همواره مهم‌ترین نقش‌ها را ایفا کرده‌اند، به‌طوری‌که غالباً بر موقعیت و جهت‌گیری مسیرهای عمده تجاری نیز تأثیر گذاشته‌اند. توسعه شهرهای این دوره به قدرت حکومت‌ها نیز بستگی داشته و ظهور و توسعه و سقوط یک شهر با جریان‌های سیاسی و تاریخی در ارتباط کامل بوده است، بدین معنی که در یک دوره تاریخی معین با عدم امکان دستیابی به امکانات اقتصادی و فنی مؤثر مکان جغرافیایی شهر بی‌حرکت و نازا، در دوره تاریخی دیگر با بهره‌گیری از داده‌های اقتصادی و عملی و فنی وسیع، رشد شهر سریع‌تر و پویاتر بوده است. دشت کشف‌رود که شهر مقدس مشهد در آن واقع شده، با توجه به برخورداری از مجموعه‌ای از عوامل مطلوب زیست‌محیطی از جمله منابع آب شیرین به‌صورت چشمه‌سارها و رودهای فصلی، هوای مساعد، خاک حاصلخیز، پوشش غنی گیاهی و مراتع سرسبز، موجبات جلب توجه و اقامت جمعیت‌های انسانی و مهاجران را از کهن‌ترین زمان‌ها فراهم آورده است. به‌جز عوامل محیطی، عوامل مذهبی هم که وابسته به قرار گرفتن حرم

فرهنگ، ۶۷؛ پاییز ۸۷؛ صص ۱۱۶-۹۳

مطهر رضوی در شهر مشهد است، نقش مهمی در رشد و توسعه این شهر داشته است. اما این عامل در دوره صفوی تقویت شد و بین عوامل سیاسی و تاریخی با عوامل محیطی و مذهبی نوعی تعامل مثبت به وجود آمد، به گونه‌ای که پس از این تاریخ، شهر مشهد از اعتلا و رشد خاصی برخوردار و به یکی از شهرهای بزرگ و تأثیرگذار ایران تبدیل شد. در این مقاله سعی شده است تأثیر عوامل سیاسی و تاریخی مربوط به دوره صفوی به عنوان یکی از مهم‌ترین عامل اعتلای این شهر بررسی شود.

مقدمه

در به وجود آمدن و شکوفاشدن یک محیط شهری، عوامل مختلفی دست‌اندرکارند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به محیط یا جغرافیای مناسب و نیز وضعیت قرارگیری نسبت به مسیر راه‌های تجاری - بازرگانی عمده، جهت تضمین رشد و تکاپوی شهر اشاره کرد. اما گاهی علاوه بر عوامل فوق، برخی عوامل مذهبی و یا سیاسی هم در ایجاد کانون‌های شهری، نقش مهمی داشته‌اند. تکوین شهرهای مقدس مشهد و قم که برپایه وجود حرم‌های مطهر رضوی و حضرت معصومه (ع) بوده است، بهترین مثال‌ها در این مورد هستند. در این میان، شهر مشهد، به دلیل وجود مجموعه‌ای از عوامل مثبت محیطی و تاریخی، رشد زیادی را در مقایسه با شهر قم نشان می‌دهد.

از نمودهای بارز تأثیر اوضاع سیاسی و تاریخی یک دوره بر وضعیت شهرسازی و شهرنشینی نیز می‌توان به دوره ایلخانی اشاره کرد به طوری که در ابتدای این دوره بسیاری از شهرهای آباد ایران مانند نیشابور، جرجان، ری و... به ویرانه تبدیل شدند اما پس از مدتی شهرهای جدیدی چون سلطانیه ساخته شد و برخی شهرهای دیگر مانند تبریز و مراغه توسعه یافتند.

شهر مقدس مشهد هم یکی از شهرهایی است که تحت تأثیر عوامل مختلف سیاسی و تاریخی دوره صفوی - که درباره آن بحث خواهد شد - رشد و توسعه بیشتری یافت.

ریشه برخی از تغییرات و تحولات این شهر در عوامل مذهبی و ریشه برخی دیگر در الزامات و سیاست‌های خاص دوره صفوی بود. دوره حکومت صفویان - که حدود دو سده به طول انجامید - یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ ایران بوده است. اهمیت این دوره در تاریخ سیاسی ایران زمین بدان حد است که ظهور این سلسله را می‌توان آغاز قرون جدید در ایران دانست. تحولاتی که در این دوره روی داد، در کل تاریخ سیاسی و اعتقادی ایرانیان در سده‌های بعد بسیار مؤثر واقع شد. از مهم‌ترین این تحولات، یکی رسمی‌شدن مذهب تشیع و دیگری تجدید یکپارچگی سیاسی ایران بعد از چندین قرن تهاجم اقوام مختلف بود که با اتکا به قدرت و نفوذ معنوی شاهان صفوی در میان مردم به انجام رسید.

در این دوره، با حمایت شاهان صفوی، هنرهای پارچه‌بافی، نقاشی، فلزکاری، سفالگری و معماری، پیشرفت و توسعه فراوانی یافت. به موازات این هنرها، شهرنشینی و شهرسازی نیز متحول شد و به خصوص در دوره شاه عباس اول رونق تجارت سبب رونق شهرنشینی شد و در شهرهای بزرگ، میادین، عمارات، خیابان‌ها، بازارها و کاروانسراهای بسیاری بنا شد. توصیف‌های زیبای توأم با اظهار شگفتی جهانگردان اروپایی از شهرهای مختلف ایران، نشان‌دهنده میزان پیشرفت هنر شهرسازی در این دوره است. جدا از شهر اصفهان که اوج هنر شهرسازی و معماری صفویان را به نمایش می‌گذارد، شهرهای دیگر، به ویژه شهرهای مذهبی و تجاری، نیز طی این دوره بیشتر از ادوار گذشته توسعه یافتند. شهر مشهد را می‌توان یکی از این شهرها و شاید مهم‌ترین آنها دانست. هر چند عوامل محیطی و مذهبی نقش مهمی در توسعه این شهر داشته‌اند، عوامل مرتبط با دوره صفوی نیز روند شهرنشینی آن را دچار تحول کرد، بطوری که نسبت به ادوار قبل از رشد

محسوسی برخوردار شد. پیش از پرداختن به دلایل و عوامل این امر، موقعیت جغرافیایی و سابقه تاریخی شکل گیری این شهر توضیح داده می شود.

موقعیت جغرافیایی و سابقه تاریخی شهر مشهد

شهر مقدس مشهد با نزدیک به ۲۰۵ کیلومتر مربع وسعت، در شمال شرقی ایران، در استان خراسان رضوی واقع شده است و از شمال و شرق به کشور ترکمنستان، از شمال غرب به شهرستان درگز، از غرب به کوه های بینالود و شهرستان نیشابور، از جنوب و جنوب غرب به شهرستان تربت حیدریه و از جنوب شرقی به شهرستان تربت جام محدود می شود. این شهر با جمعیتی بیش از ۲/۵ میلیون نفر، دومین شهر ایران پس از تهران است. به لحاظ ناهمواری های جغرافیایی، این شهر بین دو رشته کوه هزارمسجد و بینالود واقع شده است. میانگین ارتفاع شهر مشهد از سطح دریا حدود هزار متر است و از نظر طول و عرض جغرافیایی در ۵۹ درجه و ۳۸ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۱۶ دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد.

آب و هوای این شهر، بسیار متغیر است، به طوری که در تابستان به علت وزش بادهای خشکی که از سیستان می وزد، رطوبت هوا کم می شود؛ و برعکس، در زمستان هوای آن تحت تأثیر رشته کوه های اطراف، فوق العاده سرد است. موقعیت جغرافیایی مزبور موجب شده است چهار فصل سال در شهر مشهد به شکل محسوسی از هم متمایز باشد. این موقعیت، علی رغم سخت کردن شرایط زندگی تأثیر مثبتی در سلامت و تندرستی مردم این شهر داشته است؛ چنان که بارتولد در *تذکره جغرافیای تاریخی ایران* مردم مشهد را در مقایسه با مردم سایر بلاد ایران تندرست تر دانسته و علت آن را همین موقعیت مناسب شهر معرفی کرده است (بارتولد، ۱۳۵۸: ۱۳۵).

شهر بزرگ و شلوغ کنونی تا قبل از شهادت امام رضا(ع) در آغاز قرن سوم هجری قمری، قصبه کوچک و بیلاقی موسوم به «سناباد» بوده که خود از توابع شهر «نوقان» - یکی از شهرهای چهارگانه منطقه توس قدیم - محسوب می شده است. ابواسحاق ابراهیم استخری در کتاب *المسالک و الممالک* (تألیف نیمه اول سده چهارم) - که از مفیدترین منابع موجود در زمینه جغرافیای تاریخی ایران است - بعد از ذکر شهرهای چهارگانه ناحیه توس (رادکان، طابران، بزدیغره و نوقان)، از ده سناباد شهر نوقان، به عنوان آرامگاه علی بن موسی الرضا (ع) نام برده است (استخری، ۱۳۴۰: ۲۶۹ و ۲۷۲).

برخی از مورخان و جغرافیدانان مسلمان، ده سناباد را با عنوان دیگری مانند «بردعه» و «مثقب» نیز ذکر کرده اند (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۲۴). قریه سناباد با توجه به برخورداری از شرایط آب و هوایی مناسب، پس از تصرف خراسان به دست اعراب مسلمان، مقر یکی از کاخ‌های «حمیدبن قحطبه» - حاکم عرب خراسان - شد. بنا به روایت یعقوبی، زمانی که هارون الرشید - خلیفه عباسی - برای سرکوبی شورش رافع بن لیث به خراسان و توس عزیمت کرد، بر اثر بیماری فوت کرده و در همان کاخ حمیدبن قحطبه واقع در سناباد توس (نوقان) دفن شده است (یعقوبی، ۱۳۴۳: ۴۴۳)؛ و پس از اینکه مأمون عباسی در سال ۲۰۳ ه. ق. امام رضا (ع) را به شهادت رساند، آن امام همام را در جنب گور هارون به خاک سپرد. پس از این رخداد است که قصبه سناباد شهرت یافت و مورد توجه عام و خاص واقع شد و رو به آبادانی گذاشت. کتاب *الارض ابن حوقل* (تألیف احتمالاً ۳۶۷ ه. ق.)، یکی از قدیمی ترین متونی است که اطلاعاتی درباره ده سناباد به دست می دهد. در این کتاب، بعد از ذکر شهرهای چهارگانه ناحیه توس، از حصن استوار کشیده شده بر گرد مقبره امام رضا (ع) در سناباد سخن رانده شد که گروهی هم در آن معتکف بوده اند (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۶۳). چنین به نظر می رسد که ساخت این حصار و

امنیت نسبی حاصل از آن، زمینه‌ساز سکونت گروهی از شیعیان و محبان اهل بیت(ع) و توسعه این ده شده باشد.

توسعه و آبادانی آغاز شده پس از ساخت حصار مزبور تا آنجا ادامه یافت که نام ده سناباد به مشهدالرضا یا مشهد توس تبدیل شد. اولین بار مقدسی در کتاب *احسن التقاسیم* (تألیف حدود ۳۸۰ ه. ق.) از کلمه مشهد برای مرقد امام رضا(ع) استفاده کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۳۶). حمدالله مستوفی هم در کتاب *القلوب* (تألیف ۷۴۰ ه. ق.)، نام مشهد مقدس حضرت رضا و مشهد توس را به جای ده سناباد به کار برده (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۱۵۱-۱۵۰) که بعدها همین نام رایج شده است.

ابن بطوطه مغربی - جهانگرد مشهور مسلمان - هم که حدود یک قرن پس از حمله مغول در منطقه خراسان از شهر توس (طابران) و حرم مطهر امام رضا(ع) دیدن کرده، در *سفرنامه* خود (تألیف ۷۵۶ ه. ق.) از مشهد امام رضا نام برده و ذکری از شهر نوقان به میان نیاورده (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۴۴۱) که احتمالاً نشان‌دهنده این مطلب است که در این زمان شهر نوقان و مشهد درهم ادغام شده بودند.

مدارک و شواهد باستان‌شناسی نیز بر صحت این مطالب تأکید دارد؛ زیرا در نیمه قرن هشتم هجری، نام نوقان که بر روی سکه‌های ایلخانیان ضرب می‌شد، رفته‌رفته به مشهد تبدیل شده و از این تاریخ به بعد است که شهر مشهد همواره به عنوان بزرگ‌ترین شهر منطقه توس نامبردار است و به خصوص در دوره تاریخی صفویان، جایگاه مهمی در بین سایر شهرهای ایران پیدا کرده است.

این شهر با وجود اینکه در ادوار مختلف اقوام گوناگون از جمله غوری‌ها، غزها و ازبک‌ها آن را ویران کردند، اما به جهت موقعیت مناسب جغرافیایی و نیز موقعیت خاص مذهبی، زود آباد شده است و این امر با ظهور حکومت‌های شیعه‌مذهب از جمله صفویان

سرعت بیشتری به خود گرفت، چنان که امروزه، به‌عنوان دومین شهر بزرگ مذهبی جهان، موقعیت ممتازی دارد.

مهم‌ترین عوامل توسعه شهر مشهد در دوره صفوی

چنان‌که عنوان شد، شهر مشهد از قرن ۸ ه. ق. به بعد، با ضمیمه کردن شهر نوقان، روند توسعه خود را آغاز کرده است. به‌لحاظ ادوار و سلسله‌های تاریخی، این زمان با اواخر دوره ایلخانی و اوایل دوره تیموری مطابقت دارد. علی‌رغم این توسعه اولیه، سیر توسعه واقعی این شهر از دوره صفوی آغاز شد. در این زمان، شهر مشهد به‌واسطه توجهات و هدایای جماعت شیعه و شاهان صفوی، شکوه و عظمت خاصی یافت و به‌صورت دومین زیارتگاه بااهمیت شیعیان جهان درآمد. البته نمی‌توان تردید کرد که حمله تیمور و ویرانی شهر بزرگ تابران که در اواخر قرن هشتم صورت گرفته نیز در آبادی مشهد تأثیر فراوان داشته است. در زیر برخی از مهم‌ترین عوامل و دلایل این توسعه در دوره صفوی بررسی شده است.

۱. رسمیت مذهب تشیع و سیاست مذهبی سلاطین صفوی

دین و عقاید مذهبی در ایران هم نظیر هر جای دیگر، عاملی تأثیرگذار بر کلیه جنبه‌های زندگی شهروندان، سازمان اجتماعی - سیاسی و تشکیل یا توسعه برخی از شهرهای ایران از جمله شهر مشهد بوده است. سلسله صفوی، اولین حکومت شیعه‌مذهب ایران بود که توانست بر سرتاسر ایران تسلط یابد و پس از آن، آیین تشیع را گسترش دهد. هرچند قبل از صفویان نیز جنبش‌ها و حکومت‌های چندی مانند سربداران در خراسان و علویان مازندران به‌صورت محلی سر کار آمده بودند که مذهب شیعه داشتند،

در دوره صفوی بود که این مذهب به عنوان مذهب رسمی ایران در کنار زبان فارسی به یکی از ممیزات هویتی ایرانیان مسلمان با دیگر کشورهای همسایه تبدیل شد. در پی این امر، توجه شیعیان ایران و کشورهای همجوار که تا آن زمان با سختی و محدودیت‌های فراوان مراسم مذهبی خود را به جا می‌آوردند، به اماکن مقدس شیعی به ویژه شهر مشهد که مرقد نورانی رضوی در آن واقع شده بود، به صورت چشمگیری افزایش یافت.

از سوی دیگر، رسمیت یافتن مذهب تشیع، موجب تلاش پادشاهان صفوی و به خصوص شاه عباس اول برای تقویت و گسترش دامنه نفوذ تشیع در بین سایر مناطق ایران و جهان اسلام و نیز جلب توجه بیشتر شیعیان و قزلباش‌ها به عنوان مهم‌ترین حامیان سلسله صفوی شد. عوامل مزبور، موجب اعمال سیاست خاص مذهبی از سوی این شاهان شد؛ سیاستی که در آن، به بزرگان و نیز اماکن مقدس شیعی توجه ویژه‌ای صورت می‌گرفت. در نتیجه، طی این دوره، کارهای عمرانی زیادی در رابطه با مزارات شیعی صورت گرفت و مقابر ساده ادوار قبل توسعه فراوان یافت. توجه خاص به شهر مشهد و اقدامات فراوان در جهت عمران و آبادانی آن و تعمیر، مرمت و توسعه اماکن مقدس آستان قدس رضوی، به عنوان مهم‌ترین مکان مذهبی شیعیان ایران، در راستای همین سیاست انجام گرفت. البته باید توجه داشت که شاهان صفوی برای آنکه به حکومت خود جنبه روحانیت و تقدس و مشروعیت ببخشند، خود را از نژاد ائمه اطهار معرفی می‌کردند و سپس به رونق مقابر و مزارات آنها در جهت اجرای سیاست‌های خود اقدام می‌کردند. از دیگر جنبه‌های این سیاست مذهبی می‌توان به تلاش شاهان صفوی برای ایجاد یک مکان زیارتی ملی اشاره کرد. برخی از مورخان و سیاحانی که در دوره صفوی از مشهد دیدن کرده‌اند، رونق این شهر را طی دوره مزبور در این نکته دانسته‌اند که سلاطین صفوی می‌خواستند با اهمیت دادن به زیارتگاه امام رضا(ع)، یک مکان

زیارتی ملی به وجود آوردند. برای مثال به عقیده فرد ریچاردز - عضو انجمن سلطنتی نقاشان و حکاکان انگلستان که در اوایل قرن بیستم میلادی از ایران دیدن کرده بود - رونق شهر مشهد و مکان زیارتی آن، به عنوان یک زیارتگاه عمومی، ضرورتی حتمی برای متحد ساختن اقوام متعدد و متنوع امپراتوری دوران صفوی محسوب می شده است (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۱۹۸).

۲. سیاست‌های اقتصادی دوره شاه عباس کبیر

یکی دیگر از دلایل توسعه شهر مشهد طی دوره صفوی را باید در سیاست‌های خاص اقتصادی شاه عباس اول جست‌وجو کرد. نظم و امنیت و آبادانی در دوران صفویان - که بیش از دو قرن بر ایران حکم راندند - در دوران شاه عباس اول پایه‌ریزی شد. در واقع، اوج شکوفایی هنری و اقتصادی نیز در همین دوره از تاریخ اتفاق افتاد و ایران پس از رکودی طولانی دوباره در پی کسب سربلندی افتخارآمیز گذشته خود برآمد. تأثیر این سیاست‌ها بر توسعه شهر مشهد به دو طریق صورت گرفت: یکی، تأثیر سیاست‌های کلی یا کلان شاه‌عباس بود که به صورت عمومی در مورد توسعه همه شهرها از جمله شهر مشهد مؤثر واقع شد و از جمله این سیاست‌ها ایجاد کاروانسراهای متعدد در سرتاسر کشور و گسترش هرچه بیشتر راه‌های ارتباطی میان شهرهای پرجمعیت بود، که این خود باعث توسعه بازرگانی شد؛ دیگر اینکه شاه‌عباس، شاهراهی میان شهرهای اصفهان، مشهد و هرات ایجاد کرد که نقش مهمی در توسعه تجارت و به تبع آن توسعه شهرهای مزبور داشت (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۲۷). همچنین، شاه‌عباس با ایجاد حمام‌ها و آب‌انبارها و دیگر نیازمندی‌ها، در بهتر کردن اوضاع زندگی مردم شهرنشین کوشید. علاوه بر این، شاه‌عباس از درآمدهای سرشار موقوفات و نذورات امامزاده‌ها و مکان‌های مذهبی، در راه آبادانی کشور استفاده کرد؛ صنعت قالیبافی را از یک صنعت محدود روستایی به

یک صنعت ملی تبدیل کرد، و از راه صدور ابریشم به اروپا، ثروت عظیمی نصیب ایران کرد. مجموع اقدامات مزبور به توسعه صنعت و تجارت و در نتیجه آن گسترش شهرها و شهرنشینی در سرتاسر ایران منجر شد.

اما در میان سیاست‌های خاص اقتصادی که به صورت مستقیم بر شهر مشهد مؤثر بود، فرمان شاه‌عباس مبنی بر عدم خروج زوار اماکن متبرکه به خارج از ایران بود که به خاطر پیشگیری از سرازیر شدن پول و مسکوکات کشور توسط تجار، بازرگانان و زائران به خارج، این دستور را صادر کرد (طاهرنیا، ۱۳۷۶: ۱۱۷). البته دلایل دیگری مانند ناامنی راه حج به ویژه خطر دولت عثمانی نیز در صدور این فرمان بی‌تأثیر نبوده است. به هر حال، در پی این ممانعت، توجهات از شهرهای مذهبی خارج از کشور به شهرهای مقدس واقع در قلمرو صفوی از جمله شهر مشهد معطوف شد. شاه‌عباس همچنین، پس از این فرمان، به گسترش و اهمیت دادن شهر مشهد و مرقد امام رضا(ع) پرداخت و برای تشویق مردم، خود نیز پیاده از اصفهان به مشهد رفت (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۸۹). احتمالاً شاه‌عباس در راستای همین سیاست، دستور داد هر کس به زیارت آستان مقدس حضرت رضا(ع) توفیق یابد، می‌تواند عنوان «مشهدی» را مانند القاب «حاجی» و «کربلایی» بر نام خود بیفزاید و این لقب از آن زمان رواج یافت. (صدر حاج سید جوادی، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۵۸)

۳. توجه ویژه شاه‌عباس اول به منطقه خراسان و شهر مشهد

شاید بتوان یکی از دلایل رشد و توسعه شهر مشهد در دوره صفوی را به دل بستگی‌های شخصی شاه‌عباس کبیر به منطقه خراسان و به احتمال زیاد ارادت و علاقه وافر وی به امام رضا(ع) مربوط دانست. همان‌طور که می‌دانیم، شاه‌عباس تا قبل از رسیدن به سلطنت، از طرف جدش شاه‌طهماسب، حکومت خراسان را به للگی شاه‌قلی سلطان داشته (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۵۵) و به نوعی دوران کودکی تا جوانی خود را

در خطه خراسان گذرانده بود که طبیعتاً این مدت طولانی خاطرات فراوانی نیز برای وی به همراه داشته است.

علاقه به شهر مشهد نیز به دو جهت قابل بررسی است: یکی به جهت وجود مضجع مطهر امام رضا(ع) در این شهر؛ دیگری، به سبب نقشی که مردم و امرای خراسان و مشهد در رسیدن وی به سلطنت و تاج و تخت شاهی ایفا کردند، زیرا او در سال ۹۹۴ ه.ق. یعنی زمانی که برادر کوچک ترش حمزه میرزا به ولیعهدی انتخاب شده بود، با کمک مرشدقلی خان - حاکم مشهد - در این شهر تاجگذاری و اعلان سلطنت کرد. بنا به نوشته‌های تاریخی، در این واقعه تمامی اهل مشهد از شهر بیرون آمدند و اطراف کوه سنگی (در دامنه کوه سناباد) جمع شدند و در دامان آن کوه تختی مزین به جواهر نصب کردند و خطبه سلطنت به نام شاه عباس خواندند (همان، ص ۶۴). تلاش برای آبادی شهر مشهد و توجه به آن می‌توانست به نوعی قدردانی شاه عباس از کسانی باشد که در به قدرت رسیدن او نقش اصلی را برعهده داشتند.

یکی از شواهدی که بر علاقه وافر شاه عباس به شهر مشهد دلالت دارد، مسافرت‌های پیاپی و توقف‌های درازمدت وی در این شهر است که نسبت به سایر شاهان خاندان صفوی و حتی کلیه شاهان تاریخ ایران بی‌نظیر است. اگرچه تعدادی از این مسافرت‌ها با دفع حملات ازبک‌ها ارتباط داشته، بیش از نیمی از مسافرت‌های مزبور در دوران آرامش مرزهای شرقی صورت گرفته است که قابل تأمل به نظر می‌رسد. شاه عباس در سال‌های ۹۹۷، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۱ (دوبار)، ۱۰۱۶، ۱۰۲۱، ۱۰۲۹ و ۱۰۳۱ ه.ق. به شهر مشهد سفر و در برخی از موارد بیش از چند ماه در این شهر اقامت کرده است. بنا به نوشته‌های موجود، وی در زمان توقف، سال ۱۰۰۷ ه.ق.، در این شهر، صبح و شام به خادمی و فراشی و سایر خدمات روضه مطهره می‌پرداخت؛ و یا در سال ۱۰۰۸ ه.

ق. که زمستان را در آن بقعه شریف به سر برد، در ایام و لیالی متبرکه رجب و شعبان زیارت و دعا می کرد و به خدمت خادمباشی گری آستانه مشغول بود و شبها با مقرض سر شمعها را می گرفت. همچنین در سال ۱۰۰۹ ه.ق. بنا به نذری که کرده بود، طی ۲۸ روز پیاده از شهر اصفهان به زیارت مرقد مطهر رضوی شتافت. در همین سفر وی دستور ایجاد خیابان و جاری ساختن مجدد چشمهها و قنوات را به علت درمضیقه بودن سکنه شهر صادر کرد و ماههای رجب، شعبان و رمضان را در روضه منوره به طاعت و عبادت گذرانید (همان، ص ۸۷-۹۰). با توجه به فاصله نسبتاً زیاد پایتختهای شاه عباس - یعنی قزوین و به خصوص اصفهان - از شهر مشهد، اهمیت این سفرها بیشتر نمایان می شود.

۴. ایجاد پایگاه بزرگ جمعیتی و نظامی برای حراست از مرزهای شرقی

نزدیکی جغرافیایی شهر مشهد به مرزهای شمال شرقی ایران که همواره مورد تهدید و تعرض اقوام و حکومت‌های واقع در آسیای مرکزی قرار داشت، یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل توسعه این شهر بوده است. این موقعیت خاص، قبل از شهر مشهد و در دوره پیش از اسلام برای شهر توس باستان و در دوره اسلامی تا قبل از قرن ۵ ه.ق. برای شهر نوقان وجود داشت. در دوره ساسانی، حضور اقوام بدوی همچون هون‌ها و سکاها که در آن سوی مرزهای شرقی ایران می‌زیستند و با حملات متوالی خود در نواحی شرقی آشفته‌گی برای منطقه خراسان و دردسر برای حکومت‌های مرکزی ایران به وجود می‌آوردند، مشکل عمده شاهان ساسانی بود. این حملات و کشمکش‌های دراز به لحاظ سیاسی تأثیر زیادی بر تاریخ منطقه شرق ایران و به خصوص خراسان داشته است. منطقه توس در این دوره به جهت نزدیکی به مرزهای شرقی و نقش تدافعی و نظامی آن،

اهمیت ویژه‌ای داشته تا آنجا که ولایت مزبور حاکم و مرزبانی خاص موسوم به کنارنگ داشته (مینورسکی، مجله دانشکده الهیات مشهد، ش ۱۶ و ۱۷، ص ۲۶۹) که احتمالاً از اختیارات ویژه‌ای نیز برخوردار بوده است. شهر توس باستان با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی‌اش، به صورت یک پادگان نظامی برای دفاع از منطقه توس و مرزهای شرقی ایران عمل می‌کرده است.

در دوره اسلامی نیز تهدیدها و هجوم‌های مزبور با شدت بیشتری ادامه یافته است. با نگاهی به تاریخ دوره صفوی متوجه می‌شویم که یکی از مهم‌ترین مشغله‌های سلاطین صفوی در شرق ایران، درگیری‌های مداوم با متجاوزان ازبک بوده است که هر از گاهی به ایران هجوم می‌آورده و آرامش را از ساکنان آن نواحی سلب می‌کرده‌اند؛ کما اینکه در سال ۹۱۵ ه. ق.، همزمان با اوایل حکومت شاه اسماعیل اول مؤسس سلسله صفوی، ولایت خراسان و از جمله شهر مشهد در تصرف محمدخان ازبک مشهور به شیبک‌خان بود و طایفه ازبک به سرحدات این منطقه تجاوز و اموال رعایای آن را غارت می‌کرد. (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۳۹). گرچه هر بار پس از ورود سپاهیان صفوی، ازبک‌ها به مناطق سرزمینی خود در ترکستان عقب‌نشینی می‌کردند، با مراجعت صفویان به مناطق دیگر، مجدداً خراسان را آماج حملات ددمشانه خود قرار می‌دادند. برای مثال، در اوایل حکومت شاه‌طهماسب اول، عبیدالله‌خان - رئیس خوانین ازبک - شش بار به خراسان لشکر کشید و قسمت‌هایی از این خطه را متصرف شد. شاه‌طهماسب چند مرتبه برای مقابله با وی عازم خراسان شد ولی هربار وی فرار می‌کرد و به ماوراءالنهر برمی‌گشت و همین که شاه‌طهماسب به عراق مراجعت می‌کرد، او به سر ولایات متصرفه خویش می‌آمد (همان، ص ۴۳). این وضعیت تا دوره شاه‌عباس اول ادامه یافته است. با توجه به دوراندیشی و سیاست‌های برجسته شاه‌عباس، دور از ذهن نیست که وی برای

به وجود آوردن یک پایگاه جمعیتی و نظامی بزرگ که همواره آمادگی فراهم آوردن نیروی کافی جهت مقابله با تجاوزات ازبکان را داشته باشد، به توسعه و آبادانی هرچه بیشتر شهر مشهد به عنوان مرکز ثقل این سیاست همت گماشته باشد؛ زیرا شاه عباس به خوبی دریافته بود که تا امنیتی پابرجا در مرزهای کشور برقرار نکند، پیشرفت و آبادانی در درون کشور امکان پذیر نخواهد شد. شایان ذکر است که چون منطقه توس که شهر مشهد در آن واقع شده، از طریق دره کارد به دژ و قلعه کلات که مشرف بر دشت خاوران است، منتهی می شود، از دیرباز اهمیت نظامی و سوق الجیشی مضاعف داشته است.

۵. انتقال آب چشمه گیلان به شهر مشهد

یکی دیگر از عوامل افزایش جمعیت و توسعه شهر مشهد طی دوره صفوی را باید در انتقال آب چشمه گیلان از شهر توس به شهر مشهد و نتایج این اقدام جست و جو کرد. چشمه گیلان یا چشمه گل‌سب، واقع در ۲۱ کیلومتری شمال غرب شهر توس یا فردوسی امروزی، از چشمه های بزرگ و مشهور دشت توس بوده که قرن ها قبل آبی زلال، گوارا و فراوان داشته است. این چشمه که هم اکنون آب بسیار کمی دارد، تا اواخر قرن نهم هجری آب زراعت و شرب بخشی از شهر توس و روستاهای پیرامون آن را تأمین می کرده است. در اواخر دوره تیموری، امیر علیشیر نوایی - وزیر عالم و هنرپرور سلطان حسین بایقرا - جریان آب چشمه مزبور را که پس از قتل عام بیشتر مردم توس به وسیله میرانشاه تیموری به هدر می رفت، از شهر توس باز گرفت و با کانالی به شهر مشهد منتقل کرد. کانال مزبور در زمان شاه عباس صفوی ترمیم شد و با کشیدن خیابانی از غرب به شرق مشهد، آب آن را از مسیر خیابان وارد حرم مطهر امام رضا (ع) کردند و

به همین سبب به آب بالا خیابان شهرت یافته است. دولتشاه سمرقندی - از مورخان دوره تیموری - درباره انتقال آب این چشمه توسط امیر علیشیر نوایی چنین نوشته است:

چند وقت است تا [امیر] همت عالی بر خیری گماشته که آب چشمه گل [گیلاس] را که از مشاهیر عیون خراسان است و از منزهات جهان و در اعلی ولایت طوس واقع است، به مشهد مقدسه رضویه آورد... و این خیر بر جمیع خیرات شریفه اش شرف دارد و مشهد مقدسه از این جوی رشک بهشت برین و غیرت نگارخانه چین خواهد شد. (سمرقندی، بی تا: ۵۷۱)

اقدام مزبور، یک نتیجه آنی در اواخر دوره تیموری داشت و آن، فراهم شدن آب مازاد بر مصرف ساکنان شهر مشهد در آن مقطع زمانی بود؛ و یک نتیجه بعدی در درازمدت که عبارت بود از فراهم آوردن زمینه مستعد برای توسعه روزافزون شهر در دوره صفوی.

از سوی دیگر، پس از انتقال آب این چشمه به مشهد، اندک امید ساکنان شهر توس برای اقامت در این شهر نیز به یأس تبدیل شد؛ و با قدرت گرفتن سلسله شیعی صفوی و اهمیت یافتن بیش از پیش شهر مشهد، ساکنان باقی مانده طابران به شهر مشهد کوچ کرده و باعث افزوده شدن بر تعداد جمعیت و در نتیجه رشد و گسترش این شهر شده‌اند. البته نباید تصور کرد که این کوچ به صورت ناگهانی صورت گرفته، بلکه این انتقال تا زمان نادرشاه افشار ادامه داشته است. (بارتولد، ۱۳۵۸: ۱۳۲)

۶. امنیت نسبی حاکم بر کل ایران و نیز شهر مشهد

از اواسط دوره صفوی، امنیت شهر مشهد بیش از ادوار گذشته شد. این امنیت به خصوص در دوران عظمت صفویان در زمان شاه عباس اول بسیار محسوس بود. در پی همین امنیت بود که شهر مشهد علاوه بر مرکزیت مذهبی، به مرکزیت تجاری، صنعتی و

اقتصادی نیز دست یافت. این شهر به واسطه آنکه پذیرای تعداد زیادی از زائران رضوی بود، یکی از مراکز مهم صنعتی و کشاورزی عهد صفویه به‌شمار می‌آمده و کارگاه‌های مختلف صنعتی - از جمله نساجی، فلزکاری، اسلحه‌سازی و لوازم جنگی صفویان - نیز در این شهر وجود داشته است (میراحمدی، ۱۳۷۱: ۲۴۰). به علاوه، شهر مشهد طی این دوره، از مراکز عمده سفالگری، به‌خصوص در تولید سفال چینی به‌سبک ایرانی، بود.

باید توجه داشت که بخشی از این امنیت، نتیجه خارج شدن شهر هرات از دارالملکی خراسان بود. اگرچه اعتمادالسلطنه - مورخ و جغرافی‌نگار شهیر دوره قاجار - مرکزیت یافتن و یا دارالملکی شهر مشهد به‌جای هرات را از دوره شاه اسماعیل اول به بعد می‌داند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۳۰۱)؛ اما با توجه به استقرار شاه عباس اول تا قبل از حکومت در شهر هرات، چنین به‌نظر می‌رسد که این امر از دوره شاه عباس صورت گرفته باشد. ولی به هر روی، تغییر مزبور را باید یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه شهر مشهد از این تاریخ به بعد دانست. بدیهی است که لازمه دارالملکی یا مرکزیت یافتن شهر مشهد بر کل منطقه خراسان، برقراری نظم و امنیت جهت استقرار و تداوم حیات دستگاه‌های حکومتی در آن شهر و کل منطقه تحت تابعیت آن بوده است. علاوه بر این، دارالملکی یا مرکزیت یافتن یک شهر بر یک ناحیه، همان‌گونه که در دوره کنونی باعث تغییرات عظیم در بودجه و جذب منابع مالی دولتی توسط یک شهر می‌شود، در آن دوره نیز موجب تحولات عمده‌ای در میزان جمعیت و ایجاد دستگاه‌ها و مراکز دولتی و در نتیجه رشد و توسعه آن شهر می‌شده است.

۷. تغییر راه‌های تجاری و مطرح شدن مشهد به عنوان دروازه ارتباطی با نواحی

شرق ایران

قرارداشتن یک شهر در مسیر راه‌های اصلی تجاری به خصوص در ادوار گذشته، اهمیت خاصی داشته است. قرار گرفتن این موقعیت در میان سایر مراکز مبادلات تجاری، باعث می‌شد که اقتصاد آن شهر شکوفا و زندگی ساکنان آن توأم با آسایش و ثروت باشد (عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۹۳). از آنجا که هیچ شهری قادر نخواهد بود از عهده رفع همه نیازهای خود برآید، موقعیت قرارگیری شهر بر سر راه‌های تجاری مهمی که بر اثر آن شهرها بتوانند نیازهای خود را از طریق آنها برطرف سازند و مازاد تولید را صادر کنند، اهمیت بالایی داشته است. با توجه به این اصل، شهرهایی که در مسیر شبکه‌های اصلی ارتباطی و تجاری واقع شده‌اند و از هر سمت امکان برقراری ارتباط با سایر شهرهای عمده را دارند، بیشتر امکان توسعه و پایداری سکونت در آن نقطه را دارند. شایان ذکر است که با توجه به اهمیت بالای این عامل در رشد و توسعه شهرها، در طول دوره اسلامی همواره به این عامل در کار ساخت و ایجاد شهرهای جدید توجه می‌شده است. برای مثال، منصور - خلیفه عباسی - یکی از دلایل مناسب بودن محل فعلی شهر بغداد را برای ساختن پایتخت خود، راه‌هایی می‌دانست که از هر طرف به آن ختم می‌شد و می‌توانست اقتصاد آن را شکوفا سازد. (همان، ص ۹۳-۹۲)

بنا به نوشته ژان باپتیست تاورنیه - جهانگرد معروف فرانسوی - به جهت امنیت و آبادی راه‌هایی که در دوره صفوی، از مشهد و هرات می‌گذشت، تجار غالباً از این راه‌ها استفاده می‌کرده‌اند (تاورنیه، بی تا: ۶۹۵). این گفته تاورنیه، به معنای تغییر راه‌های تجاری و مطرح شدن مشهد به عنوان دروازه ارتباطی با نواحی شرق ایران است. چنین به نظر می‌رسد که تغییر راه‌های تجاری با محوریت شهر مشهد در این دوره، نتیجه رشد گسترده روابط

تجاری - اقتصادی دولت صفوی با دولت چین و شکوفایی راه ابریشم بوده است؛ زیرا شهر مشهد موقعیت مناسبی نسبت به کشور چین و راه‌هایی که از آن به ایران ختم می‌شد، داشت. علاوه بر این، نزدیکی جغرافیایی شهر مشهد به شهرهای بزرگ قندهار و هرات در شرق و بلخ و سمرقند در شمال نیز موجب مطرح شدن مشهد به عنوان دروازه ارتباطی با آسیای مرکزی، افغانستان، چین و شمال هندوستان شده بود؛ کمالینکه در حال حاضر نیز موقعیت مزبور باعث رونق و توسعه مراکز تجاری و خدماتی این شهر به عنوان یک شهر ترانزیتی و زیارتی - سیاحتی شده است.

بررسی برخی از شاخص‌های توسعه شهر مشهد در دوره صفوی

با مقایسه وضعیت شهر مشهد در اواخر دوره صفوی با مشهد ادوار قبل، به خوبی می‌توان به میزان پیشرفت و تعالی این شهر طی دوره مزبور پی برد. در زیر برخی از ملاک‌هایی که نشان‌دهنده این توسعه است، بررسی شده است.

۱. بهبود وضعیت دفاعی شهر

با مرکزیت یافتن شهر مشهد بر ناحیه خراسان، به مرور زمان بر پهنه این شهر، به ویژه در زمان شاه‌طهماسب صفوی افزوده شد و مردم شهر تا بران به مشهد کوچ دادند و حصار تازه‌ای برای دفاع در برابر حملات ازبک‌ها به دور آن کشیده شد. این حصار حدود ۱۸۰۰ متر طول، شش دروازه و ۱۴۱ برج داشت (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۲۷). آثاری از شش دروازه شهر مشهد تا اوایل قرن حاضر تقریباً به همان صورت مانده بودند. بنا به نوشته‌های موجود، برج و باروی حصار مزبور مستحکم‌تر از شهر هرات (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۶۷) و متشکل از دو سور یا دیوار دفاعی بوده و در مقطعی توانسته است ۷ ماه و ۱۷

روز در برابر سپاهیان ازبک و گلوله‌های توپ آنها مقاومت کند (همان، ص ۷۲). از سوی دیگر، طول مدت مقاومت شهر مشهد در برابر مهاجمان، نشان‌دهنده میزان عظمت این شهر طی دوره صفوی است به طوری که می‌توانسته است ماه‌های متوالی آذوقه مصرفی مردم را به راحتی فراهم کند و در برابر محاصره دوام آورد. چنین به نظر می‌رسد که حصار شهر مشهد در دوره شاه‌عباس اول تحول مهمی یافته و بسیار مستحکم‌تر شده است به طوری که از اواسط حکومت وی (۱۰۰۷ ه.ق. به بعد) تا پایان سلسله صفوی و حتی پس از آن با قهر و غضب به تصرف مهاجمان درنیامد.

۲. ساخت بناهای سودمند شهری

طی دوره صفوی، بناهای سودمند فراوانی در شهر مشهد ایجاد شد که از جمله مهم‌ترین این بناها می‌توان به مدارس، حمام‌ها و آب‌انبارها اشاره کرد. در عهد شاه‌عباس دوم علاوه بر تعمیرات گسترده در مجموعه رضوی، حدود ده مدرسه جدید در شهر مشهد ساخته شد که تعدادی از آنها مانند مدرسه فاضل‌خان، مدرسه نواب و مدرسه عباسقلی‌خان از نظر موقوفات در سرتاسر ایران بی‌نظیر بود. برای مثال، موقوفات مزروعی مدرسه عباسقلی‌خان از بیرون دروازه شرقی مشهد آغاز می‌شده و تا دروازه هرات می‌رسیده است. شاه‌سلطان‌حسین صفوی نیز در احداث ابنیه شهر مشهد و مدارس آن اهتمام زیادی به کار برد و موقوفات زیادی برای آن مقرر کرد (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۲۹). علاوه بر مدارسی که نام برده شد، طی دوره صفوی بناهای عمومی همچون آب‌انبارها و حمام‌های متعدد جهت استفاده جمعیت فزاینده شهر مشهد ساخته شد که در حال حاضر، آثار برخی از آنها، مانند آب‌انبار شاه‌عباسی (ساخت ۱۰۵۲ ه.ق.) واقع در پایین خیابان، آب‌انبار محراب‌خان (قرن ۱۱ ه.ق.) واقع در بازار نوقان، آب‌انبار معجردار (قرن ۱۱ ه.ق.) واقع در خیابان نواب صفوی، حمام شاه واقع در بازار بزرگ و جنب مسجد امام

(ساخت ۱۰۲۷ ه.ق.)، حمام حضرت در بازار سنگ تراش‌های مشهد متعلق به اوایل دوره صفویه برجای مانده و آثار برخی دیگر مانند حمام سرسوق واقع در ابتدای بازار بزرگ مشهد و حمام شاهرودی خان در نزدیکی بست پایین مجموعه حرم آستان قدس رضوی در جریان اقدامات عمرانی اطراف حرم تخریب شده است.

۳. اقدامات عمرانی گسترده در مجموعه حرم رضوی

شاهان و حاکمان دوره صفوی، اقدامات عمرانی گسترده‌ای در رابطه با مجموعه حرم رضوی صورت دادند که به صورت غیرمستقیم بر توسعه شهر مشهد نیز مؤثر واقع شد. از جمله در زمان شاه طهماسب، مناره نزدیک گنبد مطهر رضوی که در عهد غزنویان به دستور ابن معتر - حاکم نیشابور - برپا شده بود، مرمت و طلاکاری شد و در سال ۹۳۲ ه.ق.، خشت‌های نفیس کاشی روی گنبد، به خشت‌های طلا تبدیل شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۳۱۱). شایان ذکر است که خشت‌های طلای مزبور در شورش عبدالؤمن خان ازبک همراه با نفایس حرم مطهر به غارت رفت. به مانند سایر تحولات و پیشرفت‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی دوره صفوی، بیشترین خدمات و اقدامات عمرانی مربوط به حرم رضوی نیز به زمان شاه عباس اول بازمی‌گردد. طلاکاری مجدد گنبد مطهر، توسعه صحن عتیق، احداث ایوان شمالی و اتاق‌ها، غرفه‌ها، سردرها، و ایوان‌های شرقی و غربی آن، ایجاد رواق توحیدخانه و نیز گنبد الله‌وردی‌خان، از جمله اقدامات دوره شاه‌عباس در رابطه با مجموعه رضوی بود (ترکمان، ۱۳۵۰: ۵۷۸). در دوره سایر شاهان صفوی نیز برخی اقدامات دیگر در رابطه با مجموعه حرم رضوی صورت گرفت که از جمله آنها می‌توان به اقدامات شاه‌عباس دوم و شاه‌سلیمان صفوی اشاره کرد که بیشتر مرمت و تعمیر آثار ادوار قبلی را دربر می‌گیرد.

۴. ساخت مزارات و مصلی

در این دوره، مزارهای متعددی برای شخصیت‌های مذهبی و سیاسی ساخته شد که از جمله آنها می‌توان به آرامگاه زیبای «خواجه ربیع» در شمال شهر مشهد، مقبره «خواجه اباصلت» در جنوب شرق مشهد، بنای «گنبد سبز» - مدفن «محمد مومن»، از عرفای دوره صفویه - در مرکز شهر مشهد، بنای «گنبد خشتی» در کوچه نوغان، آرامگاه «الله‌وردی‌خان» و آرامگاه «شیخ بهایی» واقع در مجموعه حرم مطهر رضوی اشاره کرد. همچنین، در این دوره، بناهای مذهبی دیگری ساخته شد که از جمله آنها می‌توان به «مصلای مشهد» واقع در خیابان نواب صفوی اشاره کرد.

۵. افزایش تعداد سکنه

در آبادانی، وسعت و جمعیت شهر مشهد اواخر عهد صفوی همین بس که علی‌رغم درگیری‌ها و جنگ‌های مخرب متعددی که در این شهر بین نادرقلی افشار و ملک‌محمود سیستانی، برسر تصاحب قدرت صورت گرفت، شهر مزبور بسیار آباد و پررونق بوده و حدود ۶۰ هزار خانه و سیصد هزار نفر جمعیت داشته است (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۲۷). این تعداد جمعیت و خانه مسکونی در آن زمان، نشانگر توسعه و اعتلای قابل ملاحظه شهر مشهد نسبت به دوره قبل یعنی تیموری است که هنوز این شهر به‌عنوان یک شهر مهم مطرح نشده بود و در مقایسه با شهرهای بزرگ ایران، شهری کوچک محسوب می‌شد. انتخاب پیاپی این شهر به‌عنوان پایتخت، توسط ملک‌محمود سیستانی و نادرشاه افشار (همان، ص ۶۲۸ و ۶۲۹) نیز نشان‌دهنده میزان اهمیت و موقعیت مهم این شهر در بین دیگر شهرهای ایران پس از فروپاشی حکومت صفوی است. هرچند یکی از دلایل انتخاب این شهر به‌عنوان پایتخت توسط نادرشاه، می‌تواند با نزدیکی این شهر به زادگاه

وی یعنی منطقه کلات مرتبط بوده باشد، به نظر نمی‌رسد که این تنها دلیل چنین انتخاب مهمی بوده باشد. بدیهی است برای انتخاب یک شهر به عنوان پایتخت، آن‌هم برای کشور بزرگی مانند ایران، ملاک‌های مختلفی باید مدنظر گرفته شود که مرکزیت داشتن، پرجمعیت بودن، برخورداری از آب و هوای مناسب، قابلیت تدافعی بالا و... از جمله آنها به‌شمار می‌آیند. انتخاب شهر مشهد به عنوان پایتخت حکومت افشاری و قبل از آن حکومت کوتاه‌مدت ملک محمود سیستانی که پس از اضمحلال دولت صفوی اندیشه فرمانروایی بر سرتاسر ایران را در سر داشت، نشان‌دهنده تبدیل شدن این شهر به یک شهر درجه یک و معتبر در اواخر صفوی است.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، عوامل مختلفی در توسعه و پیشرفت شهر مشهد طی دوره صفوی دخیل بوده‌اند. هر چند که مهم‌ترین عامل و به عبارتی هسته تشکیل و توسعه این شهر، شهادت و تدفین امام رضا(ع) در آنجا است و از سوی دیگر عوامل محیطی و جغرافیایی نیز برای توسعه آن مهیا بوده، زیرا شهر مزبور در یک حوضه میان کوهستانی و در طول جاده تجاری با جهت شرقی - غربی واقع شده و زمین‌های زراعی حاصلخیز داشته است که با قنات و تاندازه‌ای از طریق کشف‌رود که از رشته کوه‌های البرز (بینالود و هزار مسجد) سرچشمه می‌گیرد، آبیاری می‌شود، تنها در دوره تاریخی صفوی بود که این استعدادها شکوفا و مشهد به شهری بزرگ تبدیل شد. رسمیت یافتن مذهب تشیع که یکی از مهم‌ترین تحولات عصر صفوی بوده، بیشترین نقش را در این مهم ایفا کرده است. علاوه بر این، سیاست‌های اقتصادی و مذهبی و نیز امنیت حاکم بر ایران طی این دوره که کاملاً متأثر از عامل تاریخی و سیاسی دوره صفویه به‌خصوص تدابیر و

سیاست‌های منطقی شاه‌عباس اول است، نمودهای دیگری از تأثیر گسترده ادوار تاریخی بر سیر شهرنشینی و توسعه شهرها است.

در پایان می‌توان چنین نتیجه گرفت که با وجود اهمیت زیاد عوامل جغرافیایی، تجاری و مذهبی در توسعه یک شهر، این عوامل می‌توانند تابع عامل تاریخی و سیاسی واقع شوند و نکته دیگر اینکه اولویت و ضرورت این عوامل در دوره‌های مختلف تاریخی، با توجه به قدرت و اقتدار حکومت‌ها متفاوت از هم‌اند و شدت و ضعف دارند.

کتابنامه

- ابن بطوطه. ۱۳۶۱. *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمدعلی موحد. ج ۱. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن حوقل. ۱۳۴۵. *الارض*. ترجمه دکتر جعفر شعار. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- استخری، ابواسحق ابراهیم. ۱۳۴۰. *مسالك و ممالک*. ترجمه فارسی ۶ و ۵ هجری. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. ۱۳۶۲. *مطلع الشمس*. جلد اول و دوم. به اهتمام تیمور برهان لیموده‌می. تهران: انتشارات فرهنگسرا.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ. ۱۳۵۸. *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*. ترجمه حمزه سردادور. چاپ دوم. تهران: انتشارات توس.
- تاورنیه، ژان باپتیست. بی تا. *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه ابوتراب نوری. تصحیح دکتر محمد شیرانی. اصفهان: کتابخانه سینایی.
- ترکمان، اسکندربیک. ۱۳۵۰. *عالم آرای عباسی*. تصحیح ایرج افشار. چاپ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ریچاردز، فرد. ۱۳۴۳. *سفرنامه فرد ریچاردز*. ترجمه مهین دخت صبا. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سمرقندی، دولتشاه. بی تا. تصحیح ادوارد براون. به کوشش محمد عباسی. تهران: انتشارات بارانی.

صدرحاج سیدجوادی، احمد. ۱۳۶۹. *المعارف تشیع*. ج ۱. تهران: انتشارات بنیاد خیریه و فرهنگی شط.

طاهرنیا، بهروز. ۱۳۷۶. *مشهد از نگاه سیاحان*. چاپ اول. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

عبدالستار عثمان، محمد. ۱۳۷۶. *مدینه اسلامی*. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.

کیانی، محمدیوسف. ۱۳۷۴. *پایتخت‌های ایران*. چاپ اول. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

مدرس رضوی، محمدتقی. ۱۳۷۸. *سالشمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم*. به کوشش ایرج افشار. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

مستوفی قزوینی، حمدالله. ۱۳۶۲. *مقاله سوم (در صفت بلدان، ولایات و بقاع)*. به سعی و اهتمام و تصحیح گیلسترنج. چاپ اول. تهران: انتشارات دنیای کتاب.

مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد. ۱۳۶۱. *احسن التقاسیم فی الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

میراحمدی، مریم. ۱۳۷۱. *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عهد صفویه*. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.

مینورسکی. «طوس»، *مجله دانشکده الهیات مشهد*، ش ۱۶ و ۱۷.

یعقوبی، احمد ابن ابی‌یعقوب. ۱۳۴۳. *تاریخ یعقوبی*. جلد دوم، ترجمه محمدابراهیم آیتی. چاپ اول. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.